



فصلنامه اقتصاد کاربردی
دوره ۹، شماره ۳۰ و ۳۱، پاییز و
زمستان ۱۳۹۸

اشتغال و تحلیل اثرپذیری آن از بهبود فضای کسب و کار با تاکید بر طبقه درآمندی و برخورداری از منابع سوختی

مهرداد زارع نژاد^۱، شهریار زروکی^۲ و محمدباقر گرجی^۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۲۷ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۵/۲۷

چکیده:

بهبود فضای کسب و کار از جمله شاخص‌های مهم اقتصاد هر کشور است که ضمن اثر مطلوب بر عملکرد اقتصادی بنگاه‌ها، می‌تواند از کانال ارتقای سطح تولید، رشد اقتصادی و افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، در تعیین سطح اشتغال موثر واقع شود. مطالعه حاضر با روش تحلیلی-توصیفی و مبتنی بر تکنیک اقتصادسنجی داده‌های تابلویی به دنبال بررسی و تحلیل نقش بهبود شاخص کسب و کار بر اشتغال در ۱۴۰ کشور جهان طی دوره زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۸ است. در این راستا در کنار تصریح یک الگوی پایه در قالب ۴ سناریو بر ویژگی گروه‌های مختلف از کشورهای نظیر طبقه درآمندی و صادرکنندگی سوخت تمرکز شده است. نتایج حاصل از توصیف داده‌ها حاکی از آن است که در مجموع، روند حرکتی رشد در اشتغال و سهولت کسب و کار، روندی همسو و کاهشی است. در تفکیک کشورهای براساس اقتصاد ایران، بطور دقیق رابطه مستقیم بین دو عامل دیده نمی‌شود و نمی‌توان بطور دقیق برای اقتصاد ایران رابطه‌ای مستقیم و یا غیرمستقیم بین دو عامل اشتغال و شاخص سهولت کسب و کار استنتاج نمود. هم‌چنین در تفکیک کشورهای براساس ویژگی‌های صادرکنندگی سوخت و عضویت در اوپک، در هر دو گروه از کشورهای، سطح نرخ رشد اشتغال و نرخ رشد سهولت کسب و کار بزرگتر از سایر کشورهاست. نتایج حاصل از برآورد الگوی پایه حاکی از آن است که سهولت کسب و کار، نرخ مشارکت و سطح عمومی قیمت‌ها اثری مثبت بر اشتغال دارند. نتایج حاصل از برآورد سناریوها نشان می‌دهد که نخست، در کشورهای با درآمد بالا، اندازه اثرگذاری شاخص سهولت کسب و کار بر کسب و کار تفاوت معناداری از کشورهای با درآمد پایین و به تبع آن از کشورهای با درآمد متوسط دارد. دوم، اثر سهولت کسب و کار بر اشتغال در اقتصاد ایران تفاوت معناداری با سایر کشورها ندارد. سوم، اندازه اثرگذاری در کشورهای صادرکننده سوخت و کشورهای عضو اوپک به طور معناداری بزرگتر از سایر کشورها است.

کلید واژه: اشتغال، بهبود فضای کسب و کار، درآمد، ایران.

طبقه‌بندی JEL: E24, J21, M21

^۱ دانشجوی دکتری گروه کارآفرینی، واحد علی‌آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی‌آباد کتول، ایران. ایمیل: zarenejadmehrdad@yahoo.com

^۲ دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول). ایمیل: sh.zaroki@umz.ac.ir

^۳ استادیار گروه مدیریت، واحد علی‌آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی‌آباد کتول، ایران. ایمیل: gorjimb@gmail.com

مقدمه

یکی از مشکلات اساسی در هر اقتصادی بیکاری است. اینکه بیکاری به چه دلایلی بوجود می‌آید و راه‌حل کاهش آن چگونه است؛ از مهم‌ترین دغدغه‌های هر اقتصادی می‌باشد. از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که می‌تواند بر افزایش میزان اشتغال و به تبع آن کاهش نرخ بیکاری موثر باشد، بهبود فضای کسب و کار است. به نحوی که با بهبود فضای کسب و کار می‌توان افزایش در رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری (اعم سرمایه‌گذاری داخلی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی) را انتظار داشت. در همین راستا مطابق با قانون اوکان که مطالعه‌ایی تجربی در ادبیات اقتصاد است، می‌توان رابطه‌ای معکوس را بین بیکاری و رشد اقتصادی متصور بود. به نحوی که مطابق با این قانون، افزایشی دو درصدی در تولید ناخالص داخلی با کاهش یک درصدی در بیکاری و به تبع آن افزایش اشتغال همراه است. بر این مبنا می‌توان اثر مستقیم بهبود فضای کسب و کار بر اشتغال را از کانال رشد اقتصادی تبیین نمود. هم‌چنین برای افزایش اشتغال، لازم است تا ظرفیت‌های شغلی در یک جامعه از طریق بالا بردن تشکیل سرمایه‌های جدید افزایش یابد. بر این اساس می‌توان استدلال نمود که با بهبود فضای کسب و کار، سرمایه‌گذاری اعم از داخلی و خارجی در داخل کشور افزایش یافته و به تبع آن با برقراری فروضی می‌توان افزایش در سطح اشتغال را تبیین نمود. در نتیجه هم از کانال رشد اقتصادی و هم از کانال سرمایه‌گذاری می‌توان ارتباط مستقیمی بین بهبود فضای کسب و کار و اشتغال را در نظر داشت. به عبارتی دیگر می‌توان افزایش در اشتغال را با بهبود فضای کسب و کار شاهد بود.

بانک جهانی از سال ۲۰۰۲ قصد داشت که فضای کسب و کار را در کشورهای مختلف مورد بررسی قرار دهد. اولین گزارش در سال ۲۰۰۳ ارائه شد که شامل ۵ شاخص کسب و کار برای ۱۳۳ کشور بود. در حال حاضر تعداد شاخص‌ها به ۱۱ مورد و تعداد کشورها به ۱۹۰ کشور افزایش یافته است. در مطالعه حاضر تلاش شده است تا فرضیه ارتباط مستقیم بهبود فضای کسب و کار با اشتغال آزمون شود. برای این منظور از داده‌ها و اطلاعات ۱۴۰ کشور جهان طی دوره زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۸ در قالب داده‌های تابلویی استفاده شده است. بر این اساس هدف اصلی در مطالعه حاضر بر آن است که اثر بهبود فضای کسب و کار بر اشتغال مورد بررسی قرار دهد.

هم‌چنین با توجه به اینکه ممکن است گروه‌های مختلفی از کشورها با توجه به ویژگی‌های خاص خود در تبیین نوع و اندازه اثرگذاری فضای کسب و کار بر اشتغال متفاوت ظاهر شوند؛ تحلیل و بررسی با توجه به ویژگی گروه‌های مختلف از کشورها نیز انجام شده است. برای نمونه انتظار بر آن است که کشورهای با درآمد بالا با توجه به سهم بالای فرایندهای تولید سرمایه‌بر نسبت به کشورهای در حال توسعه و توسعه‌نیافته اثرپذیری متفاوتی را از بهبود فضای کسب و کار بر اشتغال شاهد باشند. این تفاوت می‌تواند در نحوه اثرگذاری فضای کسب و کار بر اشتغال موثر واقع شده و تفکیک کشورها براساس گروه‌های درآمدی (مطابق با تقسیم‌بندی بانک جهانی) در تبیین بهتر بحث موثر واقع گردد. هم‌چنین در اقتصادهایی نظیر اقتصاد ایران که عضو کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) می‌باشد و یا در اقتصادهایی که متکی بر صادرات سوخت هستند و به عنوان کشورهای صادرکننده سوخت مطرح می‌باشند؛ ممکن است نسبت به سایر کشورها، اشتغال به میزان متفاوتی متأثر از بهبود فضای کسب و کار باشد. با توجه به تفاوت‌های مطرح شده هدف دیگر پژوهش حاضر پاسخ به این سوال است که اساساً آیا تفاوت‌های بین گروه‌های مختلف از کشورها با اختلافی معنادار در نوع و اندازه اثرگذاری فضای کسب و کار بر اشتغال همراه است یا خیر؟ به عبارتی دیگر آیا تفاوت‌هایی سطح درآمد و ویژگی صادرکنندگی سوخت، تفاوتی بین کشورها در نوع رابطه‌ی بین فضای کسب و کار و اشتغال ایجاد می‌نماید یا خیر. بر این اساس مقاله حاضر در پنج بخش تنظیم شده است. در ادامه پس از مقدمه، ادبیات پژوهش در بخش دوم مطرح می‌شود. در بخش سوم الگوی پژوهش مبتنی بر یک الگوی پایه و چهار سناریو ارائه و متغیرهای پژوهش بیان می‌شود. در بخش چهارم پس از توصیف داده‌ها، نتایج حاصل از برآورد الگو پایه و سناریوها ارائه شده است. یافته‌ها بخش پنجم را به خود اختصاص داده است.

۱- ادبیات پژوهش

شاخص فضای کسب‌وکار در ۱۱ بخش تقسیم‌بندی شده است که شامل شروع کسب و کار^۱، کسب مجوزهای مورد نیاز ساخت و ساز^۲، دسترسی به برق^۳، ثبت اموال^۴، دریافت اعتبار^۵، حمایت از سرمایه‌گذاران خرد^۶، پرداخت مالیات^۷، تجارت خارجی^۸، اجرای قراردادهای^۹، برطرف‌سازی ورشکستگی^{۱۰} و

قوانین بازار کار^{۱۱} می‌شود. قوانین بازار کار شاخصی می‌باشد که در سال ۲۰۱۹ به موارد قبلی اضافه شده است اما مبنای محاسبه برای شاخص کل همان ده شاخص قبلی می‌باشد. بانک جهانی در هر کشوری تعداد همکار محلی دارد که شامل کارشناسان و مدیران واحدهای اقتصادی شاغل در بخش‌های خصوصی و دولتی می‌شود. در ایران سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی به عنوان مرجع اصلی با بانک جهانی در تماس می‌باشد ولی علاوه بر آن بانک مرکزی، بانک‌های عامل، اتاق بازرگانی، قوه قضائیه نیز تعاملات زیادی در این زمینه دارند. برای جمع‌آوری اطلاعات از یک شیوه استاندارد استفاده می‌شود مانند اینکه کسب و کار مورد نظر در بزرگترین شهر تجاری قرار دارد. نظرسنجی از متخصصان و بررسی قوانین و مقررات داخلی کشور ما، هزینه‌ها و تعرفه‌های مختلف در طی مراحل مختلف اداری از جمله مهم‌ترین مولفه‌های شاخص‌های کسب و کار را تشکیل می‌دهند. برای سنجش مولفه‌های ذکر شده دو روش اصلی وجود دارد. اول نظرسنجی و پرسش از صاحبان کسب و کار، و دوم اندازه‌گیری هزینه‌های اداری و زمان انجام مراحل کار. هرچه سرعت انجام کار بیشتر باشد محیط کسب و کار کشور مورد بررسی مناسب‌تر است با توجه به اینکه بانک‌های جهانی این کار را انجام می‌دهند از یک روند ثابتی تبعیت می‌کنند. بر همین مبنا هر ساله در ماه ژوئن پروژه آغاز می‌شود پرسشنامه‌ها به سراسر دنیا ارسال می‌گردد. از ژوئیه تا دسامبر جمع‌آوری و کدگذاری و تحلیل می‌شوند و از ماه اکتبر تا اوایل نوامبر گزارش اولیه آماده و در ماه دسامبر گزارش نهایی منتشر می‌شود. این شاخص‌ها بیشتر متغیرهای کمی را شامل می‌گردد که در ادامه توضیحات لازم در رابطه با آنها ارائه می‌شود. شاخص شروع کسب و کار شامل چهار فاکتور است که عبارتند از تعداد رویه‌های قانونی لازم، زمان، هزینه و حداقل سرمایه برای آغاز یک کسب و کار. کسب مجوزهای مورد نیاز ساخت و ساز شامل تعداد رویه‌های قانونی، مدت زمان و میزان هزینه براساس درآمد سرانه می‌شود. دسترسی به برق دقیقاً همانند مورد قبلی می‌باشد. ثبت اموال یا دارایی‌ها شامل تعداد روز مورد نیاز برای ثبت دارایی، تعداد سازمان‌هایی که برای ثبت دارایی باید به آن‌ها مراجعه کرد و هزینه ثبت دارایی نسبت به ارزش دارایی می‌باشد. دریافت اعتبار، عوامل تعیین‌کننده این زیر شاخص شامل قدرت حقوق قانونی، عمق اطلاعات اعتباری و پوشش ثبت نام بخش عمومی است. حمایت از سرمایه‌گذاران خرد در این شاخص میزان حمایت

نهادهای قانونی خصوصاً معاملاتی که منافع شرکت با منافع مدیران و یا منافع دولت در تعارض است بررسی می‌شود. پرداخت مالیات که شامل انواع مالیات اعم از مستقیم و غیرمستقیم، میزان ساعت محاسبه و پرداخت مالیات و نرخ مالیات از سود می‌باشد. تجارت خارجی شامل صادرات و واردات می‌شود و مولفه‌های آن عبارتند از مدارک مورد نیاز، زمان و هزینه به ازای هر کانتینر است. اجرای قراردادهای شامل تعداد مراحل و زمان مورد نیاز برای انجام آن می‌باشد. ورشکستگی، مدت زمان تعطیلی یک کارگاه تجاری و نرخ احیا و تجدید حیات اقتصادی را شامل می‌شود. در اندازه‌گیری شاخص کل ده شاخص تعریف شده مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و قوانین بازار کار در سال ۲۰۱۹ به آن اضافه شده است که بیشتر استخدام و ساعت کاری را مورد بررسی قرار می‌دهد. همچنین مواردی هم‌چون دسترسی به مرخصی زایمان و مرخصی با حقوق شاغلان بیمار و پرداخت برابر به مردان و زنان در این شاخص مورد توجه قرار گرفته است. در کل می‌توان گفت شاخص کسب و کار مجموعه‌ای از کارایی مقررات کسب و کار است که تأکید بر کیفیت زیرساخت‌های حقوقی و قدرت نهادهای حقوقی دارد. به نحوی که اصلاحات در بخش‌های مورد بررسی شاخص کسب و کار هم‌چون شروع کسب و کار و قوانین بازار کار می‌تواند به طور خاص برای اشتغال‌زایی مفید باشد. یکی از مکانیسم‌هایی که قوانین کسب و کار می‌تواند بر اشتغال اثر مستقیم بگذارد؛ ساده‌سازی قوانین مربوط به شروع کسب و کار است. اقتصادهایی که دارای قوانین مطلوب‌تری هستند؛ توانایی ایجاد فرصت‌های شغلی بیش‌تری را دارند. علاوه بر این زمانی که مقررات کسب و کار بیش از حد سخت و سخت‌کار آفرینان (بنگاه‌ها) و کارگران از بخش رسمی اقتصاد بیرون رانده شده و به فعالیت در بخش غیررسمی روی می‌آورند (بانک جهانی^{۱۲}، ۲۰۱۸). حرکت کارآفرینان (بنگاه‌ها) به اقتصاد غیررسمی موجب کوچک ماندن بنگاه‌ها خواهد شد. زیرا امکان سرمایه‌گذاری‌های بزرگ و گسترش فعالیت‌ها در بخش غیررسمی وجود ندارد و در نتیجه رشد کوچک‌تری در اقتصاد و به تبع آن در اشتغال رخ خواهد داد (شهنازی و دهقان شعبانی، ۱۳۸۸). از سوی دیگر قوانین بازار کار یکی از جنبه‌های مهم فضای کسب و کار محسوب می‌شود که می‌تواند بر پویایی اشتغال و بهره‌وری تأثیر بگذارد (مارتین و اسکارپتا^{۱۳}، ۲۰۱۲). در حالی که اصلاحات در جهت منعطف‌تر کردن قوانین بازار کار می‌تواند موجب افزایش اشتغال شود ولی در طرف دیگر ضعیف شدن قوانین نیروی کار

می‌تواند با اثراتی منفی هم‌چون ایجاد محل کار ناامن یا سطح پایین کیفیت زندگی کارگران همراه شود (امین^{۱۴}، ۲۰۰۹). از منظر دیگر انتظار بر این است که سهولت کسب و کار به صورت غیرمستقیم و از طریق جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز بر اشتغال اثر بگذارد. برخی بررسی‌ها نشان داده‌اند که رتبه بالاتر شاخص کسب و کار در یک کشور، موجب جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیش‌تر توسط آن کشور خواهد شد. هم‌چنین این اعتقاد وجود دارد که رتبه بالاتر در شاخص کسب و کار نشان‌دهنده شرایط مطلوب‌تر سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌گذاران در آن کشور است (اندرسون و گنزالز^{۱۵}، ۲۰۱۲). طبق تعریف محیط کسب و کار جز عواملی محسوب می‌شود که بنگاه‌ها تقریباً بر آن کنترلی ندارند (دهقان شعبانی و آفرینش‌فر، ۱۳۹۴). به همین دلیل در محیطی که بنگاه‌های خارجی احساس راحتی بیش‌تری می‌کنند و اثری از قوانین دست و پاگیر نیست؛ تمایل بنگاه‌های خارجی برای سرمایه‌گذاری در آنجا افزایش خواهد یافت (بیراکتار^{۱۶}، ۲۰۱۳). در این راستا هنگامی که بهبود فضای کسب و کار موجب افزایش جریان ورودی سرمایه‌گذاری خارجی به داخل یک کشور شود می‌توان انتظار داشت که این موضوع با اثرات مثبت مختلفی هم‌چون اشتغال‌زایی برای اقتصاد حقیقی کشور میزبان همراه باشد (همان، ۲۰۱۲). در مورد اثراتی که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر اشتغال دارد ابتدا باید تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر سرمایه‌گذاری داخلی را بررسی نمود که به چه میزان قوانین مربوط به ورود به تجارت در اقتصاد میزبان آسان است. نوریک^{۱۷} و همکاران (۲۰۱۴) بیان کردند اقتصادهای دارای فرآیندهای ساده‌تر در شروع کسب و کار، به طور متوسط قابلیت ادغام بیشتری را با بازار بین‌المللی دارند. در چنین ساختار اقتصادی که فرآیندهای ساده‌تر برای شروع کسب و کار مهیا است؛ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهت تکمیل سرمایه‌گذاری داخلی برای تأسیس کارخانه‌های جدید به کار می‌رود و در نتیجه‌ی آن می‌توان انتظار داشت که تقاضا برای نیروی کار در داخل افزایش یابد. به نحوی که اگر سرمایه خارجی در بخش صنعت به سمت فعالیت‌های کاربر انتقال یابد، شدت این اثر مثبت بیش‌تر خواهد بود. علاوه بر این سرمایه‌گذاران (شرکت‌های) خارجی می‌توانند به طور مستقل در کشور میزبان، کارخانه‌های جدید تأسیس کنند که

اگر این سرمایه‌گذاران تعهد و تضمین بلندمدتی را برای حضور در کشور میزبان ارائه دهند، انتظار می‌رود اشتغالی پایدار در کشور میزبان برقرار شود. از سوی دیگر مومنو^{۱۸} (۲۰۱۴) بیان می‌داد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی توانایی بیرون راندن سرمایه‌گذاری داخلی را دارد که این موضوع در اقتصادی با فرآیندهای پرهزینه برای شروع کسب و کار رخ می‌دهد. در چنین ساختاری این امکان وجود دارد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثر کوچک (یا حتی منفی) بر اشتغال داشته باشد با این منطقی که سرمایه خارجی جایگزین سرمایه داخلی شود. زمانی که سرمایه خارجی با تأسیس کارخانه‌های جدید همراه نشود و تنها خرید مالکیت کارخانه در کشور مقصد رخ دهد، در ابتدا هیچ اثر اولیه‌ای در جهت تغییر اشتغال وجود ندارد ولی این امکان وجود دارد مالک‌های خارجی برای افزایش سودآوری، نیروی کار خود را تعدیل کنند و کاهش دهند (جنکینز^{۱۹}، ۲۰۰۶).

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته می‌توان اظهار داشت که عمدتاً تمرکز بر اثر فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی قرار دارد. برخی از این مطالعات به شرح زیر است.

شهنازی و دهقان شبانی (۱۳۸۸)، در چارچوب یک مدل رشد درون‌زا تأثیر اجزای شاخص فضای کسب و کار را بر رشد اقتصادی در ۶۸ کشور منتخب طی دوره زمانی ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ با روش داده‌های تابلویی مورد بررسی قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ضعف در هفت زیر بخش تعطیل کردن کسب و کار، ثبت اموال، پرداخت مالیات، شاخص تجارت خارجی، استخدام و اخراج کارگران، اجرای قراردادهای راه‌اندازی کسب و کار جدید اثر منفی بر رشد اقتصادی دارد. هم‌چنین اثر سه شاخص شرایط و مقررات کسب مجوز، دریافت اعتبار و حمایت از سرمایه‌گذاران بر رشد اقتصادی برخلاف انتظار نظری است.

بختیاری و شایسته (۱۳۹۱)، اثر بهبود فضای کسب و کار را بر رشد اقتصادی در ۲۵ کشور در طبقه درآمدی بالاتر از متوسط را طی دوره زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰ با روش داده‌های تابلویی مورد بررسی قرار دادند. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که بهبود فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی کشورهای مورد بررسی موثر است. به نحوی که با افزایش یک درصدی در شاخص کسب و کار، رشد اقتصادی به میزان ۰/۰۶ درصد افزایش می‌یابد.

هم‌چنین عملکرد ایران در زمینه بهبود فضای کسب و کار تفاوت معناداری با میانگین سایر کشورهای گروه درآمندی ایران دارد و از میانگین سایر کشورها پایین‌تر است.

بابکی و سلیمی‌فر (۱۳۹۳)، نقش محیط کسب و کار و آزادی اقتصادی را بر رشد اقتصادی را در ۳۰ کشور منتخب طی دوره زمانی ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳ با رویکرد داده‌های تابلویی مورد بررسی قرار دادند. مبنای انتخاب کشورها در این مطالعه گزارش جهانی بنیاد هریتیج^{۲۰} بوده است. به نحوی که در بین کشورها، ۱۵ کشور دارای بالاترین امتیاز آزادی اقتصادی و ۱۵ کشور دارای پایین‌ترین امتیاز آزادی اقتصادی انتخاب شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که محیط کسب و کار و آزادی اقتصادی تاثیر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی دارد. هم‌چنین آزادی اقتصادی نسبت به محیط کسب و کار تاثیر بیشتری بر رشد اقتصادی بردارد.

دهقان شبانی و آفرینش‌فر (۱۳۹۴)، اثر فضای کسب و کار را بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ۲۹ کشور منتخب طی دوره زمانی ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۲ با روش داده‌های تابلویی پویا^{۲۱} و تخمین‌زن گشتاورهای تعمیم‌یافته سیستمی^{۲۲} مورد بررسی قرار دادند. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که با بهبود ثبات سیاسی، کنترل فساد، جهانی شدن اقتصاد، شروع کسب و کار، حمایت از سرمایه‌گذار، الزام‌آور بودن قراردادهای تعطیلی کسب و کار، پرداخت مالیات و تولید ناخالص داخلی؛ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی افزایش می‌یابد.

حکمتی‌فرید و همکاران (۱۳۹۵)، اثر بهبود فضای کسب و کار و حقوق مالکیت فردی را بر رشد اقتصادی در ۴۶ کشور با درآمد متوسط و بالا طی دوره زمانی ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳ با روش داده‌های تابلویی بررسی نمودند. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که شاخص‌های کسب و کار تاثیر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی دارد. هم‌چنین در بین متغیرهای مورد بررسی یعنی سرمایه ثابت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، شاخص‌های فضای کسب و کار (شامل اخذ مجوزهای کارگاهی، شروع کسب و کار و اخذ تسهیلات)، شاخص‌های حکمرانی خوب (شامل کیفیت قوانین و ثبات سیاسی) و شاخص رعایت حقوق مالکیت فکری؛ سه عامل مجوزهای کارگاهی، شروع کسب و کار و حقوق مالکیت فکری با بیشترین اثرگذاری بر رشد اقتصادی کشورهای با درآمد بالا و متوسط همراه است.

علیزاده (۱۳۹۵)، اثر توسعه و بهبود فضای کسب و کار را بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهت دستیابی به رشد اقتصادی را در ایران با روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار داد. نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد رابطه مستقیم و دوسویه بین توسعه فضای کسب و کار و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهت دستیابی به رشد اقتصادی در ایران وجود دارد. بدین صورت که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی انتقال فناوری جدید، مدیریت دانش روز و از همه مهم‌تر توسعه فضای کسب و کار را به دنبال خواهد داشت. از طرفی جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران نیازمند تحقق پیش‌نیازها و الزاماتی است که بهبود و توسعه زیرساخت‌های فضای کسب و کار از این الزامات می‌باشد.

مهربانی و همکاران (۱۳۹۵)، اثر فضای کسب و کار را بر رشد اقتصادی در ۴۴ کشور عضو منا^{۲۳} و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^{۲۴} طی دوره زمانی ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۲ با استفاده از روش داده‌های تابلویی پویا و تخمین‌زن گشتاور تعمیم‌یافته مورد بررسی قرار دادند. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که رشد اقتصادی ایران بدلیل فقدان محیط کسب و کار مناسب از شرایط مناسبی برخوردار نیست. از سویی دیگر بررسی شاخص‌های فضای کسب و کار حاکی از آن است که این شاخص‌ها در ایران در مقایسه با کشورهای منتخب از جایگاه مناسبی برخوردار نمی‌باشد. هم‌چنین نتایج مطالعه مذکور نشان می‌دهد که محیط کسب و کار اثری مثبت بر میان رشد اقتصادی دارد. به نحوی که در کشورهای عضو منا، از بین شاخص‌های کسب و کار بیشترین اثر مربوط به شاخص انحلال و کمترین اثر مربوط به شاخص تجارت فرامرزی است. این در حالی است که برای کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه بیشترین اثر به شاخص شروع کسب و کار و کمترین اثر مربوط به شاخص پرداخت مالیات است. نتیجه آخر آنکه، شاخص پرداخت مالیات برای کشورهای عضو منا با اثری منفی بر رشد اقتصادی همراه است.

جایاسوری^{۲۵} (۲۰۱۱)، اثر افزایش رتبه کشورها در شاخص کسب و کار را بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ۸۴ کشور منتخب با روش داده‌های تابلویی در دوره زمانی ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹ مورد بررسی قرار داد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در کل نمونه رتبه بالاتر کشورها در شاخص کسب و کار موجب افزایش معنادار در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌شود اما هنگامی که نمونه به کشورهای درحال توسعه

تابلویی مورد بررسی قرار دادند. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که سهولت و هزینه کسب و کار با ایجاد مشاغل در ارتباط است و به طور خاص به نظر می‌رسد که هزینه کسب و کار اثر بیشتری نسبت به سهولت کسب و کار بر تشکیل بنگاه‌ها دارد.

۲- ارائه الگوی پژوهش

در پژوهش حاضر با توجه به مطالعات انجام شده الگوی پژوهش به شکل زیر تصریح می‌شود:

$$\ln Emp_{i,t} = \alpha_i + \beta \ln EDB_{i,t} + \quad (1)$$

$$\gamma_1 \ln LFP_{i,t} + \gamma_2 \ln CPI_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن Emp به عنوان متغیر وابسته بیانگر میزان اشتغال است. داده مربوط به این متغیر از سازمان بین‌المللی کار استخراج شده است. EDB بیانگر شاخص سهولت کسب و کار است که از سال ۲۰۰۵ به طور منظم توسط بانک جهانی ارائه می‌شود. LFP بیانگر نرخ مشارکت نیروی کار است و بصورت درصد جمعیت فعال به کل جمعیت تعریف می‌شود. داده مربوط به این متغیر از سازمان بین‌المللی کار استخراج شده است. CPI بیانگر شاخص قیمت مصرف کننده با سال پایه ۲۰۱۰ است. داده مربوط به این متغیر از بانک جهانی استخراج شده است. مطابق با ادبیات اقتصادی انتظار نظری بر آن است که نرخ مشارکت نیروی کار و قیمت با اثری مثبت بر اشتغال همراه باشد.

t بیانگر دوره‌ی زمانی پژوهش مشتمل بر سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۸ است. t نیز به عنوان مقاطع شامل ۱۴۰ کشور مورد بررسی است که شامل کشورهای افغانستان، آلبانی، الجزایر، آنگولا، آرژانتین، ارمنستان، استرالیا، اتریش، آذربایجان، باهاماس، بحرین، بنگلادش، بلاروس، بلژیک، بلیز، بنین، بولیوی، بوسنی و هرزگوین، بوتسوانا، برزیل، برونئی، بلغارستان، بوركینافاسو، بوردنی، کامبوج، کامرون، کانادا، چاد، شیلی، چین، کلمبیا، کاستاریکا، ساحل عاج، کرواسی، جمهوری چک، دانمارک، جمهوری دومینیکن، اکوادور، مصر، السالوادور، استونی، اسواتینی، فیجی، فنلاند، فرانسه، گابن، گرجستان، آلمان، غنا، یونان، گواتمالا، گینه، گویان، هندوراس، هنگ‌کنگ، مجارستان، ایسلند، هند، اندونزی، ایران، عراق، ایرلند، ایتالیا، جامائیکا، ژاپن، اردن، قزاقستان، کنیا، کره جنوبی، کویت، قرقیزستان، لتونی، لبنان، لسوتو،

محدود شد اثر معناداری یافت نشد. در نهایت بیان کردند کشورهایی که اصلاحات در مقیاس بزرگ در قوانین نسبت به دیگر کشورها انجام می‌دهند لزوماً سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیش‌تری را جذب نمی‌کنند.

حیدر^{۲۶} (۲۰۱۲)، اثر اصلاحات قوانین کسب و کار را بر رشد اقتصادی در ۱۷۲ کشور با روش داده‌های تابلویی در دوره ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ مورد بررسی قرار داد. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که اصلاح قوانین کسب و کار بر رشد اقتصادی اثر مثبت دارد. به نحوی که اصلاح قوانین کسب و کار منجر به ارتقای ۰/۱۵ درصدی رشد اقتصادی می‌شود.

کورکوران و گیلاندرس^{۲۷} (۲۰۱۲)، اثر سهولت کسب و کار را بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در دوره ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۹ با روش داده‌های تابلویی بررسی نمودند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که سهولت کسب و کار رابطه مثبتی با جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارد. هم‌چنین بیشتر این اثر به دلیل شاخص آسانی تجارت خارجی است و دیگر اجزای شاخص کسب و کار اثر کوچک یا غیرمعناداری بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارند.

بیلی و توماس^{۲۸} (۲۰۱۷)، اثر مقررات را بر کارآفرینی و اشتغال در ۲۱۵ از صنایع آمریکا با روش داده‌های تابلویی در دوره ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۱ مورد بررسی قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که صنایع با قوانین بیش‌تر رشد اشتغال کمتری را تجربه می‌کنند. هم‌چنین یافتند که مقررات مانع از رشد اشتغال در تمام شرکت‌ها می‌شود و بنگاه‌های بزرگ‌تر به نسبت بنگاه‌های کوچک‌تر تمایل کمتری به خروج در شرایط پیچیده قوانین و مقررات دارند.

کاتوکا و کان^{۲۹} (۲۰۱۸)، اثر مقررات کسب و کار را بر سرمایه‌گذاری خارجی در ۴۴ کشور از منطقه جنوب آفریقا در دوره ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴ با روش داده‌های تابلویی مورد بررسی قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ۳ شاخص کسب و کار (شروع کسب و کار، تجارت خارجی و حمایت از سرمایه‌گذاران خرد) اثر مثبتی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داشته است. اگرچه اثر شاخص‌های اجرای قراردادهای و ثبت اموال بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی معنادار نبوده است.

کانار^{۳۰} و همکاران (۲۰۱۹)، رابطه بلندمدت و کوتاه‌مدت میان تشکیل بنگاه و سهولت کسب و کار را در شهرهای فیلیپین در دوره زمانی ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ با روش داده‌های

کسب و کار بر اشتغال وجود دارد یا خیر؟ رابطه‌ی رگرسیونی برای این سناریو بصورت زیر تصریح شده است:

$$\text{LnEmp}_{i,t} = \alpha_i + \beta_1 \text{LnEDB}_{i,t} + \beta_2 D_{\text{Iran}} \cdot \text{LnEDB}_{i,t} + \gamma_1 \text{LnLFP}_{i,t} + \gamma_2 \text{LnCPI}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (3)$$

که در آن متغیر مجازی D_{Iran} به صورت زیر معرفی می‌گردد:

$$D_{\text{Iran}} = \begin{cases} 1 & \text{ایران} \\ 0 & \text{سایر کشورها} \end{cases}$$

معناداری ضرایب β_2 به مفهوم وجود تفاوت معنادار در اندازه‌ی اثرگذاری شاخص سهولت کسب و کار بر اشتغال در اقتصاد ایران نسبت به سایر کشورها است.

سناریوی سوم: تبیین این سناریو در پی پاسخگویی به

این سوال است که آیا بین کشورهای صادرکننده‌ی سوخت با سایر کشورها در اثرگذاری شاخص سهولت کسب و کار بر اشتغال وجود دارد یا خیر؟ رابطه‌ی رگرسیونی برای این سناریو بصورت زیر تصریح شده است:

$$\text{LnEmp}_{i,t} = \alpha_i + \beta_1 \text{LnEDB}_{i,t} + \beta_2 D_{\text{Fuel}} \cdot \text{LnEDB}_{i,t} + \gamma_1 \text{LnLFP}_{i,t} + \gamma_2 \text{LnCPI}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (4)$$

که در آن متغیر مجازی D_{Fuel} به صورت زیر معرفی می‌گردد:

$$D_{\text{Fuel}} = \begin{cases} 1 & \text{کشورهای صادرکننده سوخت} \\ 0 & \text{سایر کشورها} \end{cases}$$

معناداری ضرایب β_2 به مفهوم وجود تفاوت معنادار در اندازه‌ی اثرگذاری شاخص سهولت کسب و کار بر اشتغال در کشورهای صادرکننده سوخت نسبت به سایر کشورهاست. توضیح آنکه در تفکیک کشورها بر مبنای صادرکنندگی سوخت از تقسیم‌بندی سازمان ملل استفاده شده است.

سناریوی چهارم: تبیین این سناریو در پی پاسخگویی به این

سوال است که آیا بین کشورهای عضو اوپک^{۳۴} (سازمان کشورهای صادرکننده‌ی نفت) با سایر کشورها در اثرگذاری شاخص سهولت کسب و کار بر اشتغال وجود دارد یا خیر؟ رابطه‌ی رگرسیونی برای این سناریو بصورت زیر تصریح شده است:

$$\text{LnEmp}_{i,t} = \alpha_i + \beta_1 \text{LnEDB}_{i,t} + \beta_2 D_{\text{Opec}} \cdot \text{LnEDB}_{i,t} + \gamma_1 \text{LnLFP}_{i,t} + \gamma_2 \text{LnCPI}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (5)$$

که در آن متغیر مجازی D_{Opec} به صورت زیر معرفی

می‌گردد:

لیبریا، لیتوانی، لوکزامبورگ، ماداگاسکار، مالاوی، مالزی، مالی، موریتانی، موریس، مکزیک، مولداوی، مغولستان، مونته‌نگرو، مراکش، موزامبیک، نامیبیا، نپال، هلند، نیوزلند، نیکاراگوئه، نیجر، نیجریه، نروژ، عمان، پاکستان، پاناما، پرو، فیلیپین، لهستان، پرتغال، پورتوریکو، قطر، رومانی، روسیه، رواندا، عربستان سعودی، سنگال، صربستان، سیرالئون، سنگاپور، اسلواکی، اسلوانی، آفریقای جنوبی، اسپانیا، سریلانکا، سودان، سوئد، سوئیس، تاجیکستان، تانزانیا، تایلند، توگو، تونگا، تونس، ترکیه، اوگاندا، اوکراین، امارات متحده عربی، انگلستان، ایالات متحده، اروگوئه، ازبکستان، وانواتو، ونزوئلا، ویتنام، زیمبابوه می‌باشد. هم‌چنین Ln بیانگر لگاریتم با پایه طبیعی است. به منظور پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش، رابطه‌ی (۱) به عنوان الگوی پایه پژوهش، در قالب ۴ سناریو به شرح زیر تبیین مجدد شده است.

سناریوی اول: تبیین این سناریو در پی پاسخگویی به

این سوال است که آیا اساساً تفاوتی میان کشورهای با درآمد بالا ($HI^{۳۱}$) و درآمد متوسط ($MI^{۳۲}$) با کشورهای با درآمد پایین ($LI^{۳۳}$) به لحاظ نوع و اندازه‌ی اثرگذاری شاخص سهولت کسب و کار بر اشتغال وجود دارد یا خیر؟ رابطه‌ی رگرسیونی برای این سناریو بصورت زیر تصریح شده است:

$$\text{LnEmp}_{i,t} = \alpha_i + \beta_1 \text{LnEDB}_{i,t} + \beta_2 D_{MI} \text{LnEDB}_{i,t} + \beta_3 D_{HI} \text{LnEDB}_{i,t} + \gamma_1 \text{LnLFP}_{i,t} + \gamma_2 \text{LnCPI}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (2)$$

که در آن متغیرهای مجازی D_{MI} و D_{HI} به صورت زیر معرفی می‌گردد:

$$D_{MI} = \begin{cases} 1 & \text{کشورهای با درآمد بالا} \\ 0 & \text{سایر کشورها} \end{cases} \quad D_{HI} = \begin{cases} 1 & \text{کشورهای با درآمد متوسط} \\ 0 & \text{سایر کشورها} \end{cases}$$

معناداری ضرایب β_2 و β_3 به مفهوم وجود تفاوت معنادار در اندازه‌ی اثرگذاری شاخص سهولت کسب و کار بر اشتغال در کشورهای با درآمد متوسط و کشورهای با درآمد بالا نسبت به کشورهای با درآمد پایین است.

سناریوی دوم: تبیین این سناریو در پی پاسخگویی به

این سوال است که آیا اساساً تفاوتی میان اقتصاد ایران با سایر کشورها به لحاظ نوع و اندازه‌ی اثرگذاری شاخص سهولت

کشورهای عضو اوپک
 $D_{Opec} = \begin{cases} 1 & \text{کشورهای عضو اوپک} \\ 0 & \text{سایر کشورها} \end{cases}$
 معناداری ضرایب β_2 به مفهوم آن است که در کشورهای عضو اوپک نسبت به سایر کشورها تفاوت معنادار در اندازه‌ی اثرگذاری شاخص سهولت کسب و کار بر اشتغال وجود دارد.

۳- توصیف داده‌ها و برآورد الگو ۱-۳ توصیف داده‌ها

جهت شناخت داده‌ها، میانگین رشد اشتغال و رشد شاخص سهولت کسب و کار در سه زیر دوره (۲۰۰۶-۲۰۰۹، ۲۰۱۰-۲۰۱۴ و ۲۰۱۵-۲۰۱۸) محاسبه و در جدول (۱) گزارش شده است. همانطور که از در جدول (۱) مشاهده می‌شود با حرکت از زیر دوره اول به زیر دوره سوم، روند حرکتی اشتغال و شاخص سهولت کسب و کار روندی همسو و البته کاهشی است. به نحوی که با کاهش نرخ اشتغال از ۲/۱۴ درصد به ۱/۷۸ درصد، رشد شاخص سهولت کسب و کار نیز از ۱/۸۱ درصد به ۱/۳۹ درصد تقلیل می‌یابد. براساس چنین رابطه‌ی همسو و مستقیمی می‌توان به نوعی اثری مثبت از شاخص سهولت

کسب و کار را بر اشتغال انتظار داشت. در تفکیک کشورها براساس طبقه‌ی درآمدی دو نکته مشهود است. نخست آنکه در هر سه زیر دوره (بصورت نظیر به نظیر) با افزایش طبقه‌ی درآمدی از کشورهای با درآمد پایین به کشورهای با درآمد بالا هم‌زمان سطح نرخ رشد اشتغال و نرخ رشد شاخص سهولت کسب و کار کاهش می‌یابد. به عبارتی دیگر اندازه‌ی نرخ رشد اشتغال و شاخص سهولت کسب و کار در کشورهای با درآمد پایین بیشتر از کشورهای با درآمد متوسط و در کشورهای با درآمد متوسط بیش از کشورهای با درآمد بالاست. دوم آنکه با حرکت از زیر دوره‌ی اول به زیر دوره‌ی سوم، کماکان رابطه مستقیم بین نرخ رشد اشتغال و نرخ رشد شاخص سهولت کسب و کار برقرار است. به نحوی که در کشورهای با درآمد متوسط و بالا با کاهش رشد شاخص سهولت کسب و کار، نرخ رشد اقتصاد نیز کاهش می‌یابد. ولی در کشورهای با درآمد پایین روند حرکتی علیرغم مستقیم بودن رابطه، معکوس بوده و با افزایش در رشد شاخص سهولت کسب و کار، نرخ رشد اشتغال، افزایش را نشان می‌دهد.

جدول ۱- میانگین نرخ‌های رشد اشتغال و شاخص سهولت کسب و کار در سه زیر دوره

رشد شاخص سهولت کسب و کار (درصد)		رشد اشتغال (درصد)				کل کشورها (۱۴۱)	
زیردوره سوم ۱۸-۲۰۱۵	زیردوره دوم ۱۴-۲۰۱۰	زیردوره اول ۰۹-۲۰۰۶	زیردوره سوم ۱۸-۲۰۱۵	زیردوره دوم ۱۴-۲۰۱۰	زیردوره اول ۰۹-۲۰۰۶		
۱/۳۹	۱/۵۵	۱/۸۱	۱/۷۸	۱/۷۹	۲/۱۴		
۰/۶۵	۰/۷۵	۰/۸۱	۱/۴۸	۱/۲۴	۲/۰۳	تفکیک براساس طبقه درآمدی	
۱/۴۷	۱/۷۰	۲/۳۰	۱/۶۲	۱/۸۵	۲/۰۴	با درآمد بالا (۴۸)	
۲/۷۳	۲/۸۳	۲/۴۴	۳/۱۱	۲/۸۶	۲/۷۸	با درآمد متوسط (۷۲)	
۰/۹۱	۲/۷۴	۱/۳۴	۲/۰۹	۰/۵۶	-۰/۰۲	با درآمد پایین (۲۱)	
۱/۳۹	۱/۵۳	۱/۸۲	۱/۷۹	۱/۸۰	۲/۱۶	اقتصاد ایران	
۱/۵۵	۱/۶۵	۱/۹۶	۲/۲۵	۳/۱۳	۴/۱۶	سایر کشورها (۱۴۰)	
۱/۲۶	۱/۵۱	۱/۷۸	۱/۳۷	۱/۴۵	۱/۶۲	صادرکننده سوخت تفکیک براساس صادرکنندگی - سوخت	
۱/۱۳	۰/۸۲	۱/۲۵	۲/۳۹	۳/۷۶	۵/۹۱	سایر کشورها سوخت (۲۹)	
۱/۴۰	۱/۶۰	۱/۸۶	۲/۸۵	۱/۶۳	۱/۸۳	سایر کشورها (۱۱۲)	
						کشورهای عضو OPEC (۱۱)	
						سایر کشورها (۱۳۰)	

اعداد در پرانتز تعداد کشورها می‌باشد. منبع: محاسبات پژوهش

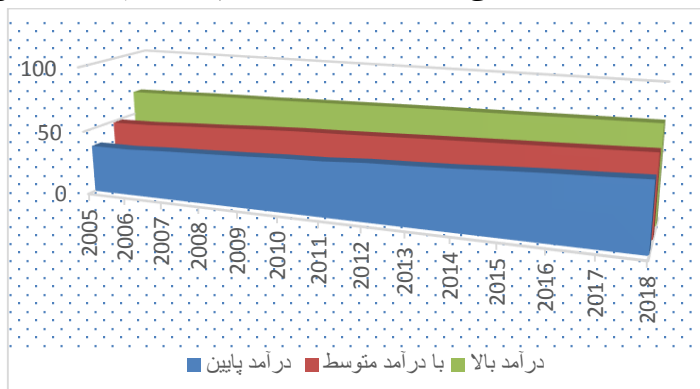
اول به دوم همراه با افزایش در نرخ رشد شاخص سهولت کسب و کار، رشد اشتغال نیز افزایش یافته و از منفی ۰/۰۲ درصد به ۰/۵۶ درصد می‌رسد. ولی با حرکت از زیردوره دوم به زیردوره

در تفکیک کشورها براساس اقتصاد ایران نیز دو نکته مشهود است. نخست آنکه برای اقتصاد ایران، بطور دقیق رابطه مستقیم بین دو عامل دیده نمی‌شود. بدین نحو که با حرکت از زیر دوره

البته چنین رابطه مستقیم با روندی کاهشی نیز تقریباً در سایر کشورها نیز مشاهده می‌شود.

با هدف تبیین بهتر روند حرکتی شاخص سهولت کسب و کار در گذر زمان و همچنین تشخیص بهتر تفاوت بین گروه‌های مختلف کشورها، نمودارهای (۱) تا (۴) ترسیم شده است. در نمودارها میانگین شاخص سهولت کسب و کار برای کشورهای طی در هریک از سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۸ محاسبه و ترسیم شده است. نمودار (۱) تفاوت در سطح شاخص کسب و کار را بین کشورهای براساس طبقه درآمدی نشان می‌دهد. همانطور که مشخص است نخست آنکه برای هر سه گروه درآمدی میانگین شاخص در گذر زمان افزایش یافته است و دوم آنکه، سطح شاخص با افزایش طبقه درآمدی افزایش می‌یابد. به نحوی که کشورهای با درآمد بالا در بالاترین سطح از فضای کسب و کار و کشورهای کم درآمد در پایین‌ترین سطح قرار دارند.

سوم، علیرغم کاهش در رشد شاخص سهولت کسب و کار، رشد اشتغال افزایش می‌یابد. بر این اساس براساس میانگین نرخ رشد محاسباتی نمی‌توان بطور دقیق رابطه‌ای مستقیم و یا غیرمستقیم را بین دو عامل اشتغال و شاخص سهولت کسب و کار برای اقتصاد ایران استنتاج نمود. نکته دوم آنکه برای سایر کشورها، نتایج محاسبات مشابه با کل قبل بوده و رابطه‌ای مستقیم و البته کاهشی قابل مشاهده است. در تفکیک کشورها براساس ویژگی‌های صادرکنندگی سوخت و عضویت در اوپک نیز دو نکته مشهود است. نخست آنکه در هر دو گروه از کشورهای صادرکننده سوخت و کشورهای عضو اوپک، سطح نرخ رشد اشتغال و نرخ رشد سهولت کسب و کار در هر سه زیردوره (نظیر به نظیر) بزرگتر از سایر کشورهاست. دوم آنکه از زیردوره اول به سوم، رابطه‌ای مستقیم و البته با روندی کاهشی بین نرخ رشد اشتغال و نرخ رشد شاخص سهولت کسب و کار مشاهده می‌شود.

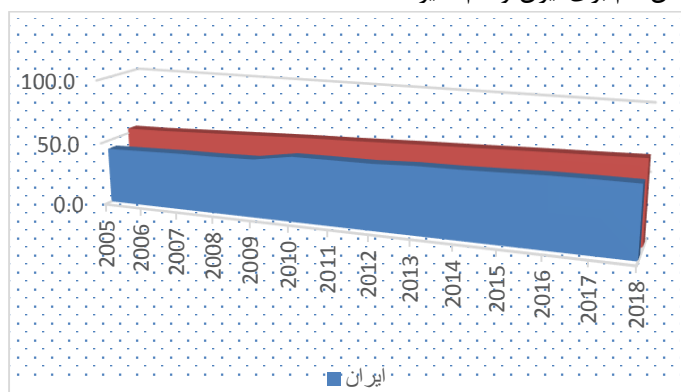


نمودار ۱- میانگین شاخص سهولت کسب و کار کشورها در سه طبقه درآمدی

منبع: یافته‌های پژوهش

کشورها دارای روندی افزایشی است. همچنین در کلیه سال‌ها میانگین شاخص در سایر کشورها بالاتر از اقتصاد ایران است.

نمودار (۲) تفاوت در سطح شاخص را بین اقتصاد ایران و سایر کشورهای مورد مطالعه نشان می‌دهد. مطابق با نمودار سطح شاخص در گذر زمان هم برای ایران و هم سایر

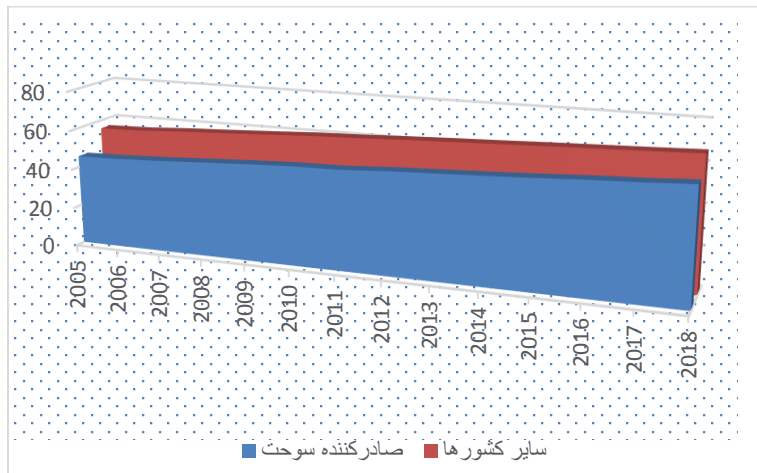


نمودار ۲- شاخص سهولت کسب و کار ایران و سایر کشورهای مورد مطالعه

منبع: یافته‌های پژوهش

سوخت و سایر کشورهای روندی افزایشی بوده و در کلیه سال‌ها میانگین شاخص در سایر کشورها بالاتر از کشورهای صادرکننده سوخت است.

نمودار (۳) تفاوت در سطح کسب و کار شاخص را بین کشورهای صادرکننده سوخت و سایر کشورهای مورد مطالعه نشان می‌دهد. همانطور که در نمودار مشاهده می‌شود روند حرکتی شاخص در گذر زمان هم برای کشورهای صادرکننده

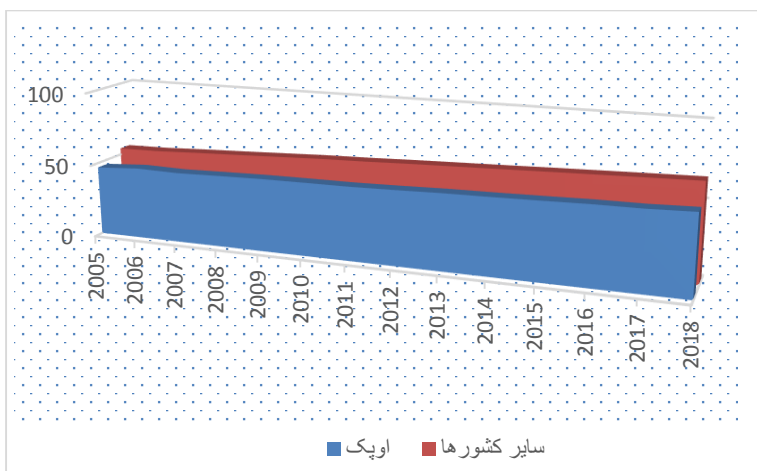


نمودار ۳- میانگین شاخص سهولت کسب و کار کشورهای صادرکننده سوخت و سایر کشورها

منبع: یافته‌های پژوهش

روندی افزایشی دارد و مشابه با مشابه با نمودار (۳) برای کشورهای صادرکننده سوخت، در اینجا نیز در کلیه سال‌ها، میانگین شاخص در سایر کشورها بالاتر از کشورهای عضو اوپک است.

نمودار (۴) تفاوت در سطح کسب و کار شاخص را بین کشورهای عضو اوپک و سایر کشورهای مورد مطالعه نشان می‌دهد. همانطور که مشخص است روند حرکتی شاخص در گذر زمان هم برای کشورهای عضو اوپک و سایر کشورها



نمودار ۴- میانگین شاخص سهولت کسب و کار کشورهای عضو اوپک و سایر کشورها

منبع: یافته‌های پژوهش

تابلویی آن است که استقلال مقطعی برای متغیرها برقرار است. این پیش فرض همانند سایر فروض می‌تواند برقرار نبوده و بر این اساس لازم است در نخستین مرحله، تشخیص وابستگی یا استقلال مقطعی متغیرها، انجام شود. بدین منظور آزمون‌های

برآورد الگو و ارائه نتایج
آزمون CD پسران و آزمون ریشه واحد
الگوی مورد نظر در مطالعه حاضر مبتنی بر داده‌های تابلویی است. در حالت کلی پیش فرض در اقتصادسنجی داده‌های

متعددی نظیر آزمون‌های فریدمن^{۳۵} (۱۹۳۷)، بریوش و پاگان^{۳۶} (۱۹۸۰) و آزمون CD پسران^{۳۷} (۲۰۰۴) استفاده نمود. پسران (۲۰۰۴) برای تشخیص وابستگی یا استقلال مقطعی برای داده‌های تابلویی متوازن و نامتوازن آزمون ارائه کرده است که فرضیه‌های صفر و آن به صورت زیر تعریف شده است:

(۶)

$$\begin{cases} H_0: \rho_{ij} = \rho_{ji} = E(u_{it}v_{it}) = 0 & \text{for all } i \neq j \\ H_1: \rho_{ij} = \rho_{ji} = E(u_{it}v_{it}) \neq 0 & \text{for some } i \neq j \end{cases}$$

برای داده‌های تابلویی متوازن آماره آزمون CD به صورت است:

$$CD = \sqrt{\frac{2T}{N(N-1)}} \left(\sum_{i=1}^{N-1} \sum_{j=i+1}^N \hat{\rho}_{ij} \right) \quad (7)$$

که در آن، ضرایب همبستگی جفت جفت پیرسون از جملات پسماندها می‌باشد. هرگاه آماره آزمون CD محاسباتی

در یک سطح معناداری معین، از مقدار بحرانی توزیع نرمال استاندارد بیشتر باشد فرضیه صفر رد می‌شود که خود به معنای وجود وابستگی مقطعی است. در مطالعه‌ی حاضر برای بررسی وابستگی یا استقلال مقطعی بین داده‌ها از آزمون مذکور استفاده شده است. نتایج حاصل از این آزمون برای متغیرهای پژوهش استفاده در جدول شماره‌ی (۲) گزارش شده است. مقادیر ارائه شده در جدول (۲) بیانگر آن است که آماره آزمون CD محاسباتی برای کلیه‌ی متغیرهای پژوهش بیش از مقادیر بحرانی در کلیه‌ی سطح معناداری ۹۵ درصد می‌باشد. بنابراین فرضیه‌ی صفر برای تمام متغیرها رد شده و در نتیجه متغیرها با وابستگی مقطعی روبرو می‌باشد.

جدول ۲- نتایج آزمون CD پسران برای متغیرهای پژوهش

متغیرها	آماره CD پسران	سطح احتمال
اشتغال	۲۰۴/۷	۰/۰۰۰
شاخص سهولت کسب و کار	۲۷۲/۴	۰/۰۰۰
نرخ مشارکت اقتصادی	۲۷/۷	۰/۰۰۰
شاخص قیمت مصرف‌کننده	۳۳۸/۹	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

زیر در جدول (۳) آمده است. نتایج بیانگر آن است که کلیه متغیرها (در سطح اطمینان ۹۵ درصد) در سطح ایستا می‌باشد.

با توجه به تایید وجود وابستگی مقطعی، برای بررسی وجود ریشه‌ی واحد در متغیرها از آزمون ایم، پسران و شین^{۳۸} (CIPS) استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون به شکل

جدول ۳- نتایج حاصل از آزمون ریشه واحد CIPS

متغیرها	آماره آزمون CIPS	سطح احتمال
اشتغال	-۳/۳۰	۰/۰۰۱
شاخص سهولت کسب و کار	-۱/۸۳	۰/۰۳۴
نرخ مشارکت اقتصادی	-۲/۲۷	۰/۰۱۲
شاخص قیمت مصرف‌کننده	-۱۱/۲۱	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

انجام گرفته است. در الگوی پایه و سناریوی‌های دوم، سوم و چهارم آماره‌ی کای دو محاسباتی در آزمون هاسمن از کای دو جدول کوچکتر و به تبع آن سطح احتمال آن از ۵ درصد بیشتر است. بنابراین در الگوی پایه و سه سناریوی مذکور در سطح اطمینان ۹۵ درصد، فرضیه‌ی صفر مبنی بر برآورد به روش اثرات تصادفی پذیرفته نشده و در نتیجه، روش اثرات تصادفی برای برآورد انتخاب می‌گردد. در ادامه انجام آزمون بریوش-پاگان نیز برای الگوی پایه و سناریوی‌های دوم، سوم و چهارم نشان می‌دهد که برآورد با روش اثر تصادفی مرجح بر روش داده‌های تلفیقی است. در سناریوی اول آماره‌ی

آزمون‌های تشخیصی در برآورد

در این قسمت، نتایج برآورد الگو مورد بررسی قرار گرفته است. در ابتدا و قبل از برآورد الگو، برای انتخاب میان روش‌های حداقل مربعات تلفیقی^{۳۹}، اثر ثابت^{۴۰} و اثر تصادفی^{۴۱}، آزمون چاو^{۴۲} (آزمون F لیمر)، آزمون هاسمن^{۴۳} و آزمون بریوش-پاگان^{۴۴} انجام می‌شود. جدول (۴) نشان می‌دهد که نتایج حاصل از آزمون‌های چاو و هاسمن، رد روش داده‌های تلفیقی می‌باشد. بنابراین به منظور انتخاب روش تخمین بین روش‌های اثر ثابت و اثر تصادفی، آزمون هاسمن

کای دو محاسباتی در آزمون هاسمن از کای دو جدول بزرگتر و به تبع آن سطح احتمال آن از ۵ درصد کمتر است. بنابراین در این دو سناریو در سطح اطمینان ۹۵ درصد، فرضیه‌ی صفر مبنی بر برآورد به روش اثرات تصادفی پذیرفته نشده و در نتیجه، روش اثرات ثابت برای برآورد انتخاب می‌شود.

جدول ۴- نتایج آزمون‌های چاو، هاسمن و بریوش-پاگان

برآورد	نوع آزمون	آماره‌ی آزمون	سطح احتمال	نتیجه آزمون
پایه	چاو	۶۰۶۱	۰/۰۰۰	رد روش داده‌های تلفیقی و تایید روش اثر ثابت
	هاسمن	۶/۸۲	۰/۰۷۸	رد روش اثر ثابت و تایید روش اثر تصادفی
	بریوش-پاگان	۱۲۳۸۸/۳	۰/۰۰۰	رد روش داده‌های تلفیقی و تایید روش اثر تصادفی
سناریوی اول	چاو	۶۴۲۴	۰/۰۰۰	رد روش داده‌های تلفیقی و تایید روش اثر ثابت
	هاسمن	۱۹/۴	۰/۰۰۲	رد روش اثر تصادفی و تایید روش اثر ثابت
سناریوی دوم	چاو	۶۰۳۸	۰/۰۰۰	رد روش داده‌های تلفیقی و تایید روش اثر ثابت
	هاسمن	۶/۲۵	۰/۱۸۱	رد روش اثر ثابت و تایید روش اثر تصادفی
	بریوش-پاگان	۱۲۴۱۳/۵	۰/۰۰۰	رد روش داده‌های تلفیقی و تایید روش اثر تصادفی
سناریوی سوم	چاو	۶۰۰۷	۰/۰۰۰	رد روش داده‌های تلفیقی و تایید روش اثر ثابت
	هاسمن	۴/۷۳	۰/۳۱۶	رد روش اثر ثابت و تایید روش اثر تصادفی
	بریوش-پاگان	۱۲۴۱۸/۷	۰/۰۰۰	رد روش داده‌های تلفیقی و تایید روش اثر تصادفی
سناریوی چهارم	چاو	۶۰۹۷	۰/۰۰۰	رد روش داده‌های تلفیقی و تایید روش اثر ثابت
	هاسمن	۴/۳۰	۰/۳۶۷	رد روش اثر ثابت و تایید روش اثر تصادفی
	بریوش-پاگان	۱۲۳۹۴/۲	۰/۰۰۰	رد روش داده‌های تلفیقی و تایید روش اثر تصادفی

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج و تفسیر ضرایب

نتایج نهایی حاصل از برآورد الگوهای مورد نظر با روش‌های منتخب (بر مبنای نتایج جدول ۴) در جدول (۵) گزارش شده است. براساس نتایج جدول (۵)، با توجه به برآورد صورت گرفته از الگوی پایه شاخص سهولت کسب و کار با اثری مثبت بر اشتغال همراه است. به نحوی که با افزایشی یک درصدی در شاخص سهولت کسب و کار، اشتغال به میزان ۰/۲۹ درصد افزایش می‌یابد. افزایش نرخ مشارکت نیروی کار نیز مطابق با انتظار نظری

منجر به افزایش اشتغال شده و با اثری مثبت همراه است. براساس نتایج با یک درصد افزایش در نرخ مشارکت نیروی کار، اشتغال به میزان ۰/۰۲ درصد افزایش می‌یابد. شاخص قیمت مصرف‌کننده با اثری مثبت بر اشتغال همراه است. به نحوی که با تورم یک درصدی در سطح عمومی قیمت‌ها، اشتغال به میزان ۰/۱۳ درصد افزایش می‌یابد. نتایج حاصل از برآورد ۴ سناریو حاکی از آن است که ضرایب برآوردی سه متغیر اصلی هم از حیث علامت و تا حدودی بسیار از حیث اندازه، مشابه با الگوی پایه است.

جدول ۵- نتایج برآورد الگوی پایه و سناریوها

متغیر وابسته: اشتغال				الگوی پایه	متغیرهای توضیحی
سناریو					
چهارم	سوم	دوم	اول		
۰/۲۹ (۰/۰۰۰)	۰/۲۷ (۰/۰۰۰)	۰/۲۹ (۰/۰۰۰)	۰/۱۹ (۰/۰۰۰)	۰/۲۹ (۰/۰۰۰)	شاخص سهولت کسب و کار
۰/۰۲ (۰/۰۰۰)	۰/۰۲ (۰/۰۱۰)	۰/۰۲ (۰/۰۰۰)	۰/۱۷ (۰/۰۰۰)	۰/۰۲ (۰/۰۰۰)	نرخ مشارکت نیروی کار
۰/۱۲ (۰/۰۰۰)	۰/۱۲ (۰/۰۰۰)	۰/۱۳ (۰/۰۰۰)	۰/۱۴ (۰/۰۰۰)	۰/۱۳ (۰/۰۰۰)	شاخص قیمت مصرف‌کننده
-	-	-	۰/۰۰۰۳ (۰/۹۸۳)	-	$D_{MI}LnEDB$

-	-	-	-۰/۱۰ (۰/۰۰۰)	-	$D_{HI}LnEDB$
-	-	-۰/۳۹ (۰/۰۸۴)	-	-	$D_{Iran}LnEDB$
-	۰/۱۳ (۰/۰۰۲)	-	-	-	$D_{Fuel}LnEDB$
۰/۴۰ (۰/۰۰۰)	-	-	-	-	$D_{Opec}LnEDB$
-	-	-	-	-	$D_{Developing}LnEDB$
-	-	-	-	-	$D_{Developed}LnEDB$
اثر تصادفی	اثر تصادفی	اثر تصادفی	اثر ثابت با تخمین زن GLS	اثر تصادفی	روش برآورد
آزمون‌های پسا برآوردی					
-	-	-	۶/۵ e+۰۵ (۰/۰۰۰)	-	آزمون واریانس ناهمسانی والد تعدیل شده
-	-	-	۱۳۴۰/۰ (۰/۰۰۰)	-	آزمون خودهمبستگی ولدریج
(۱۹۴۶) ۱۴۱	(۱۹۴۶) ۱۴۱	(۱۹۴۶) ۱۴۱	(۱۹۴۶) ۱۴۱	(۱۹۴۶) ۱۴۱	تعداد کشورها (تعداد مشاهدات)

کلیه متغیرها به جز نرخ مشارکت نیروی کار در مقیاس لگاریتمی است. اعداد در پرانتز سطح احتمال است. منبع:

یافته‌های پژوهش

مجازی تعاملی برای اقتصاد ایران در سطح احتمال ۹۵ درصد معنادار نیست. بر این اساس اندازه اثرگذاری شاخص سهولت کسب و کار بر اشتغال در ایران تفاوت معناداری با سایر کشورها ندارد. به نحوی که در اقتصاد ایران به مانند سایر کشورهای مورد مطالعه سهولت کسب و کار اثری مثبت بر اشتغال داشته و با افزایشی یک درصدی در شاخص سهولت کسب و کار، اشتغال به میزان ۰/۲۹ درصد افزایش می‌یابد. در برآورد سناریوی سوم نتایج نشان می‌دهد که متغیر مجازی تعاملی برای کشورهای صادرکننده سوخت در سطح احتمال ۹۵ درصد معنادار است. بر این اساس اندازه اثرگذاری شاخص سهولت کسب و کار بر اشتغال در کشورهای صادرکننده سوخت تفاوت معناداری با سایر کشورها دارد. به نحوی که می‌توان اظهار داشت که در کشورهای صادرکننده سوخت، اندازه اثر به میزان ۰/۱۳ درصد بیش از سایر کشورهاست. بر این اساس در کشورهای صادرکننده سوخت، با افزایشی یک درصدی در شاخص سهولت کسب و کار، اشتغال به میزان ۰/۴۰ درصد افزایش می‌یابد. نتایج حاصل از برآورد سناریوی

در برآورد سناریوی اول نتایج نشان می‌دهد که متغیر مجازی تعاملی تنها برای کشورهای با درآمد بالا در سطح احتمال ۹۵ درصد معنادار است. بر این اساس اندازه اثرگذاری شاخص سهولت کسب و کار بر اشتغال در کشورهای با درآمد متوسط تفاوت معناداری با کشورهای با درآمد پایین ندارد. به نحوی که می‌توان اظهار داشت که در کشورهای با درآمد پایین و متوسط، افزایشی یک درصدی در شاخص سهولت کسب و کار، اشتغال به میزان ۰/۱۹ درصد افزایش می‌یابد. این در حالی است که در کشورهای با درآمد بالا، اندازه اثرگذاری شاخص سهولت کسب و کار بر کسب و کار تفاوت معناداری از کشورهای با درآمد پایین و به تبع آن از کشورهای با درآمد متوسط دارد. به نحوی که در کشورهای با درآمد بالا، با یک درصد افزایش در شاخص سهولت کسب و کار، اشتغال به میزان ۰/۰۹ درصد افزایش می‌یابد. این نتیجه حکایت از آن دارد که با افزایش طبقه درآمدی از پایین و متوسط به بالا، میزان اثرپذیری اشتغال از بهبود فضای کسب و کار تقلیل می‌یابد. در برآورد سناریوی دوم نتایج نشان می‌دهد که متغیر

غیرمستقیم را بین دو عامل اشتغال و شاخص سهولت کسب و کار برای اقتصاد ایران استنتاج نمود. در تفکیک کشورها براساس ویژگی‌های صادرکنندگی سوخت و عضویت در اوپک، در هر دو گروه از کشورها، سطح نرخ رشد اشتغال و نرخ رشد سهولت کسب و کار بزرگتر از سایر کشورهاست. نتایج حاصل از برآورد الگوی پایه حاکی از آن است که سهولت کسب و کار اثری مثبت بر اشتغال دارد. این نتیجه در راستای مبانی نظری می‌باشد. بدین صورت که مطابق با مبانی مطرح شده و براساس قانون اوکان با افزایش رشد اقتصادی بیکاری کاهش می‌یابد. از طرف دیگر برای ایجاد رشد باید ظرفیت‌های تولید افزایش یابد و زمانی ظرفیت تولیدی (سرمایه‌گذاری) افزایش می‌یابد که فضای کسب و کار در کشورها رو به بهبود باشد. افزایش نرخ مشارکت نیروی کار نیز مطابق با انتظار نظری منجر به تهییج اشتغال شده و با اثری مثبت همراه است. شاخص قیمت مصرف‌کننده با اثری مثبت بر اشتغال همراه است. این نتیجه نیز مطابق با ادبیات اقتصاد کلان قابل توجیه است. بدین توضیح که مطابق با مطالعه فیلیپس (۱۹۵۸) و خروجی مهم این مطالعه یعنی منحنی فیلیپس، با افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و به تبع آن ایجاد تورم، نرخ بیکاری کاهش یافته که به منزله افزایش اشتغال است. نتایج حاصل از برآورد ۴ سناریو حاکی از آن است که ضرایب برآوردی سه متغیر اصلی هم از حیث علامت و تا حدودی بسیار از حیث اندازه، مشابه با الگوی پایه است. مطابق با سناریوی اول اندازه اثرگذاری سهولت کسب و کار بر اشتغال در کشورهای با درآمد متوسط تفاوت معناداری با کشورهای با درآمد پایین ندارد. این در حالی است که در کشورهای با درآمد بالا، اندازه اثرگذاری شاخص سهولت کسب و کار بر اشتغال کسب و کار تفاوت معناداری از کشورهای با درآمد پایین و به تبع آن از کشورهای با درآمد متوسط دارد. این نتیجه حکایت از آن دارد که با افزایش طبقه درآمدی از پایین و متوسط به بالا، میزان اثرپذیری اشتغال از بهبود فضای کسب و کار تقلیل می‌یابد. در تبیین این نتیجه می‌توان اظهار داشت که کشورها با درآمد بالا در تولید کالاها و خدمات به نسبت از تکنولوژی بالاتری نسبت به کشورهای با درآمد پایین استفاده می‌کنند که نیاز به نیروی کار کمتری دارد. از این رو اثر بهبود شاخص فضای کسب و کار بر اشتغال در این گونه کشورها کمتر از کشورهای با درآمد پایین و متوسط می‌باشد. مطابق با

چهارم که بر کشورهای عضو اوپک تمرکز دارد مشابه با سناریوی سوم است. به نحوی که متغیر مجازی تعاملی برای کشورهای عضو اوپک معنادار بوده و اندازه اثرگذاری شاخص سهولت کسب و کار بر اشتغال در کشورهای عضو اوپک تفاوت معناداری با سایر کشورها دارد. به نحوی که می‌توان اظهار داشت که در کشورهای عضو اوپک، با افزایشی یک درصدی در شاخص سهولت کسب و کار، اشتغال به میزان ۰/۶۹ درصد افزایش می‌یابد.

۴- یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر به بررسی اثر شاخص سهولت کسب و کار بر اشتغال در منتخبی از کشورهای جهان (۱۴۰ کشور) در قالب یک الگوی پایه و چهار سناریو طی دوره زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۸ پرداخته شده است. برای این منظور از روش اقتصادسنجی داده‌های تابلویی استفاده شده است. نتایج حاصل از توصیف و تحلیل داده‌ها بر مبنای میانگین نرخ رشد شاخص سهولت کسب و کار و اشتغال در سه زیر دوره (۲۰۰۶-۲۰۰۹، ۲۰۱۰-۲۰۱۴، ۲۰۱۵-۲۰۱۸) حاکی از آن است که طی زیر دوره‌ها روند حرکتی اشتغال و سهولت کسب و کار روندی همسو و کاهشی است. به نحوی که همراه با کاهش نرخ اشتغال از ۲/۱۴ درصد به ۱/۷۸ درصد، رشد شاخص سهولت کسب و کار نیز از ۱/۸۱ درصد به ۱/۳۹ درصد کاهش می‌یابد. در تفکیک کشورها براساس طبقه درآمدی، با افزایش طبقه درآمدی سطح نرخ رشد اشتغال همزمان با نرخ رشد شاخص سهولت کسب و کار کاهش می‌یابد. همچنین در کشورهای با درآمد متوسط و درآمد بالا، با کاهش رشد شاخص سهولت کسب و کار، نرخ رشد اقتصاد کاهش می‌یابد ولی در کشورهای با درآمد پایین روند معکوس بوده و با افزایش در رشد شاخص سهولت کسب و کار، نرخ رشد اشتغال افزایش را نشان می‌دهد. در تفکیک کشورها براساس اقتصاد ایران، بطور دقیق رابطه مستقیم بین دو عامل دیده نمی‌شود. بدین نحو که با حرکت از زیر دوره اول به دوم همراه با افزایش در نرخ رشد شاخص سهولت کسب و کار، رشد اشتغال نیز افزایش یافته ولی با حرکت از زیر دوره دوم به زیر دوره سوم، علیرغم کاهش در رشد شاخص سهولت کسب و کار، رشد اشتغال افزایش می‌یابد. بر این اساس براساس نمی‌توان بطور دقیق برای اقتصاد ایران رابطه‌ای مستقیم و یا

مهربانی، فاطمه؛ عبداللهی، فرشته و بصیرت، مهدی (۱۳۹۵). اثر فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی ایران، کشورهای MENA و OECD با استفاده از روش گشتاور تعمیم یافته. فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، دوره ۴، شماره ۱۳.

Amin, M (2009). Labor regulation and employment in India's retail stores, *Journal of Comparative Economics*.

Anderson, J & Gonzalez, A (2012). Does Doing Business matter for foreign direct investment. Washington, DC: Te World Bank.

Bailey, J. B & Thomas, D. W (2017). Regulating away competition: The effect of regulation on entrepreneurship and employment. *Journal of Regulatory Economics*.

Bayraktar, N (2013). Foreign direct investment and investment climate. *Procedia Economics and Finance*.

Breusch, T. S & Pagan, A (1980). The lagrange multiplier test and its applications to model specification in econometrics, *Review of Economic Studies*.

Canare, T, Francisco, J. P & Morales, J. F (2019). Long-and Short-run Relationship between Firm Creation and the Ease and Cost of Doing Business, *International Journal of the Economics of Business*.

Corcoran, A & Gillanders, R (2012). Foreign direct investment and the ease of doing business. *Review of World Economics*.

Friedman, M (1937). The use of ranks to avoid the assumption of normality implicit in the analysis of variance, *Journal of the American Statistical Association*.

Haidar, J. I (2012). The impact of business regulatory reforms on economic growth. *Journal of the Japanese and international economies*.

Jayasuriya, D (2011). Improvements in the world bank's ease of doing business rankings: Do they translate into greater foreign direct investment inflows? *The World Bank*.

Jenkins, R (2006). Globalization, FDI and employment in Viet Nam. *Transnational corporations*.

Katoka, B & Kwon, H. J (2018). Business Regulations and Foreign Direct Investment in Sub-Saharan Africa: Implications for Regulatory Reform. In *Financing Sustainable Development in Africa*.

Martin, J. P & S. Scarpetta (2012). Setting it right: Employment protection, labour reallocation and productivity. *De Economist*.

سناریوی دوم سهولت کسب و کار بر اشتغال در اقتصاد ایران تفاوت معناداری با سایر کشورها ندارد. به نحوی که در اقتصاد ایران به مانند سایر کشورهای مورد مطالعه سهولت کسب و کار اثری مثبت بر اشتغال دارد. برآورد سناریوی سوم و چهارم نشان داد که اندازه اثرگذاری سهولت کسب و کار بر اشتغال در کشورهای صادرکننده سوخت و کشورهای عضو اوپک بطور معناداری بزرگتر از سایر کشورها است. در واقع از آنجا که اکثر کشورهای صادرکننده سوخت و کشورهای عضو اوپک کشورهایی می‌باشند که برای تولید کالاها از نیروی کار ارزان و فراوان استفاده می‌کنند و به تبع آن از فرایندهای تولید کاربر برخوردارند؛ بنابراین می‌توان مبنی بر این استدلال پذیرفت که در این کشورها بهبود فضای کسب اثری بیشتر بر اشتغال نسبت به سایر کشورها داشته باشد.

منابع

بابکی، روح‌اله؛ سلیمی‌فر، مصطفی (۱۳۹۳). نقش محیط کسب و کار و آزادی اقتصادی در رشد اقتصادی کشورهای منتخب با رویکرد داده‌های تابلویی (۲۰۱۳-۲۰۰۴). *اقتصاد و توسعه منطقه‌ای (دانش و توسعه)*، دوره ۲۱، شماره ۸.

بختیاری، صادق و شایسته، افسانه (۱۳۹۱). بررسی تاثیر بهبود فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب با تاکید بر ایران. *فصلنامه اقتصاد مالی*، دوره ۶، شماره ۱۹.

حکمتی فرید، صمد؛ محمدزاده، یوسف و خزالی، دیمین (۱۳۹۵). اثر بهبود فضای کسب و کار و رعایت حقوق مالکیت فکری بر رشد اقتصادی کشورهای با درآمد متوسط به بالا. *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، دوره ۶، شماره ۲۲.

دهقان شبانی، زهرا و آفرینش‌فر، سعیده (۱۳۹۴). تحلیل تاثیر فضای کسب و کار بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران و چند کشور منتخب. *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، دوره ۲۰، شماره ۶۲.

شهنازی، روح‌اله و دهقان شبانی، زهرا (۱۳۸۸). بررسی تاثیر فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب. *پژوهشنامه اقتصادی*، دوره ۱۱، شماره ۴۲.

علیزاده، نوید (۱۳۹۵). توسعه و بهبود فضای کسب و کار پیش نیاز جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در دستیابی به رشد اقتصادی. *مجله اقتصادی*، شماره‌های ۷ و ۸.

Pesaran, M. H (2004). General diagnostic tests for cross section dependence in panels, IZA Discussion Papers 1240, Institute of Labor Economics (IZA).

World Bank (2018). *Doing Business 2018: Reforming to Create Jobs*, World Bank Group flagship publication.

Munemo, J (2014). Business start-up regulations and the complementarity between foreign and domestic investment. *Review of World Economics*.

Norbäck, P. J, Persson, L & Douhan, R (2014). Entrepreneurship policy and globalization. *Journal of Development Economics*.

یادداشت‌ها

^۱*Starting a Business*

^۲*Dealing with Construction Permits*

^۳*Getting Electricity*

^۴*Registering Property*

^۵*Getting Credit*

^۶*Protecting Minority Investors*

^۷*Paying Taxes*

^۸*Trading across Borders*

^۹*Enforcing Contracts*

^{۱۰}*Resolving Insolvency*

^{۱۱}*Labor Market Regulation*

^{۱۲} گزارش سالانه کسب و کار (۲۰۱۸)

^{۱۳}*Martin and scarpetta*

^{۱۴}*Amin*

^{۱۵}*Anderson and Gonzalez*

^{۱۶}*Bayraktar*

^{۱۷}*Norbäck*

^{۱۸}*Munemo*

^{۱۹}*Jenkins*

^{۲۰}*Heritage Foundation*

^{۲۱}*Dynamic Panel Data*

^{۲۲}*System Generalized Methods of Moments*

^{۲۳}*Middle East and North Africa*

^{۲۴}*Organization for Economic Co-operation and Development*

^{۲۵}*Jayasuriya*

^{۲۶}*Haidar*

^{۲۷}*Corcoran and Gillanders*

^{۲۸}*Bailey and Thomas*

^{۲۹}*Katoka and Kwon*

^{۳۰}*Canare et al*

^{۳۱}*Hi Income Countries*

^{۳۲}*Middle Income Countries*

^{۳۳}*Low Income Countries*

^{۳۴}*Organization of the Petroleum Exporting Countries*

^{۳۵}*Friedman*

^{۳۶}*Breusch and Pagan*

^{۳۷}*Tests of Cross-Section Dependence*

^{۳۸}*Im, Pesaran and Shin*

^{۳۹}*Pooled Least Squares*

^{۴۰}*Fixed Effect*

^{۴۱}*Random Effect*

^{۴۲}*Chow Test*

^{۴۳}*Hausman Test*

^{۴۴}*Breusch and Pagan*